

# موسیقی زبان همدمی در مراسم محرم

● بهروز وجدانی



کشورمان با تکیه بر تعالیم اسلامی و فرهنگ بومی خود موسیقی را در مراسم و آئین‌های مذهبی خود وارد کرده و جلوی انهدام آن را به بهترین وجهی گرفته‌اند. از زنده یاد استاد ابوالحسن صبا دست خطی به یادگار مانده که در مجله موسیقی بهمن ۱۳۳۶ آمده است و نقل آن در این مبحث خالی از لطف نخواهد بود.

«... تاکنون تعزیه بوده است که موسیقی ما را حفظ کرده، متأسفانه نمی‌دانم در آتیه چه چیزی تضمین موسیقی ما را خواهد کرد.»

موسیقی سنتی و محلی ایران از لحاظ فرم و محتوی بسیار متنوع است و به رشته‌های بیشمار نیز قابل تفکیک و تقسیم می‌باشد. از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که برای موسیقی ایرانی قابل شده‌اند می‌توان از جنبه‌های «عرفانی» و «معنوی» آن نام برد که در نوع خود بسیار زیبا و دلنشین نیز می‌باشد و با خلق و خو و روحیه بیشتر مردم کشورمان نیز موافقت و سازگاری دارد.

دکتر داریوش صفوت در صفحه ۶۵ بخش موسیقی عرفانی در کتاب دو مقاله درباره موسیقی ایران درباره ویژگی‌های معنوی و عرفان موسیقی ایران که ناشی از تغییرات و تحولات اجتماعی گذشته کشورمان است می‌نویسد:

«موسیقی ایرانی اساساً یک موسیقی عرفانی و روحانی است. موسیقی اصیل ایرانی به اقتضای خاصیت روحانی‌اش از هر گونه تجمل و طمطراق و بندبازی و آکروباسی و «ویر تولوزیته» به دور است و به

در سه مجرای اساسی تحول یابد: موسیقی بزمی، موسیقی عرفانی، موسیقی عامیانه. البته تحریم ظاهرپرستان برای ایران سودمند بوده است زیرا فقط راه را بر موسیقی بزمی بسته بوده حال آن که عرفا بدون توجه به قیل و قال اصحاب درس (مدرسه) موسیقی خاص خود را تعقیب و از استاد به شاگرد منتقل می‌نمودند. موسیقی عامیانه دور از محیط شهر و ظاهرسازیهای اهل شهر، در محیط صفا و یکرنگی اهل ده و ایالات، راه خود را در طول تاریخ طی می‌نموده تا به صورت امروزی درآمده است. پس فقط موسیقی بزمی بوده که با حالت نیمه مخفی خود آزادی عمل کافی و رشد و نمو نداشته است.»

موسیقی سنتی و محلی ایران در طی قرون و اعصار در فرم‌ها و مضامین گوناگون به حفظ و اشاعه فرهنگ و هنر و میراث گرانقدر نیاکان پرداخته است و همانند سایر هنرها یا مباحث و مسائلی از قبیل «سنت» و «نوگرایی» همواره درگیر بوده است. هنرمندان با هوش و متعهد

موسیقی یکی از زیباترین هنرهای ملی و مذهبی کشورمان به شمار می‌آید و همچون هنرهای دیگر، آئینه تمام‌نمای زندگی و تاریخ پرفراز و نشیب این سرزمین بزرگ و تاریخی است.

عمر موسیقی به درازای عمر انسان است و همواره با تمام شئون زندگی مادی و معنوی تمام اقشار و طبقات مردم پیوند داشته و مثل هر پدیده زنده و پویا در عین رشد و تکامل، گرفتار آفات نیز بوده است. بسیار کسان قلم و بیان خود را در راه نهی مردم از موسیقی بکار گرفتند. گروهی نیز به شیوه‌ای دیگر کمر به ناپودی موسیقی سنتی ایران بستند و آن را مردود و کهنه پنداشتند و هر تقلید کورکورانه از سست‌ترین و بی‌ریشه‌ترین انواع موسیقی غربی را به مثابه شاهکارهایی هنری به مردم قالب کردند. اما موسیقی ایرانی به مثابه بخش جدایی‌ناپذیر از فرهنگ ملی به حیات خود ادامه داده، طی قرن‌ها قوام یافته و در هر گوشه از خاک این سرزمین ریشه دوانیده و از آن تغذیه کرده و هر نغمه‌اش یادآور خاطره‌ای تلخ یا شیرین از سرگذشت، علایق، احساسات و عواطف این مردم است.

## موسیقی ایرانی و معنویت:

داریوش صفوت موسیقی شناس ایرانی در بخش «موسیقی عرفانی» کتاب «دو مقاله درباره موسیقی ایرانی» می‌نویسد:

«تحریم موسیقی موجب شد که موسیقی در ایران



هیچ وجه ایجاد هیجان نمی‌کند بلکه به عکس ضد هیجان و موجب آرامش و تعادل است. موسیقی اصیل ایرانی حالتی در انسان ایجاد می‌کند که دو صورت می‌تواند داشته باشد: در اشخاص که آشنا هستند و اهل تفکر و مراقبه‌اند حالت آرامش و مراقبه‌ای ایجاد می‌کند اما اشخاصی که مثل نسل امروز بنده هیجان‌ناخوشند اگر به این موسیقی گوش کنند برای آنان خسته‌کننده و یکنواخت و غم‌خیز و رخوت‌انگیز است. فی‌الواقع حالت روحی خود اینان است که خسته‌کننده، یکنواخت، غم‌خیز و رخوت‌انگیز است و موسیقی اصیل ایرانی در این مورد فقط نقش آئینه را ایفا می‌کند. «موسیقی ایرانی به سبب چنین حالت و ویژگی بدیهی است که برای «تقوی هنری» نیز اهمیت زیادی قایل است و همواره هنرمندان به رعایت شئون اخلاقی و مذهبی دعوت شده‌اند. موسیقی دانان و نوازندگان قدیمی همیشه شاگردان خود را به معنویت فرا خوانده و آنها را از به دام افتادن در ظواهر پرفریب زندگی مادی برحذر داشته‌اند و هنر خود را در اختیار هر فرد بی‌صلاحیتی نمی‌گذاشته‌اند. آموزش صبورانه و دلسوزانه این اساتید متعهد سبب حفظ و اشاعه این میراث غنی شده است. در این ارتباط مطلب زیر از «میرزا عبدالله» نوازنده ماهر و چیره‌دست تار و سه‌تار عصر قاجار که او را «پدر موسیقی» ردیف در عصر حاضر دانسته‌اند بسیار مناسب است.

«هنرجوی موسیقی اول باید وارد عالم معنی شود و بعد موسیقی ایرانی را یادگیرد.»

### موسیقی ایرانی و مراسم مذهبی

ارتباط ارگانیک و ناگسستنی موسیقی سنتی ایران با مذهب اسلام و اعتقادات و باورهای مردم مسلمان کشورمان ضمن حفظ موسیقی سبب اشاعه و علاقه مردم به نعمات موسیقی آوازی و سازی سنتی و محلی ایران شده است. در گذشته بسیاری از طلاب علوم دینی دستگاه‌های موسیقی ایرانی را می‌آموختند تا در خواندن اشعار مذهبی به مناسبت‌های مختلف شئون‌گان را تحت تاثیر کلام خود قرار داده و همدلی و همبستگی را به آنان ارزانی دارند. نوازندگان، خوانندگان و موسیقی‌دانان متعهد ایرانی با حضور در تمام مراسم و آئین‌های شادی آفرین و غم‌انگیز ارتباط خود را با مردم و فرهنگ و هنر خودی حفظ کرده و به مثابه گنجینه‌های معتبر زنده و پویا و پشتوانه‌ای محکم برای انتقال اطلاعات و تجارب، موسیقی این مرز و بوم را به نسل‌های بعدی انتقال داده و استمرار حرکت پویای میراث فرهنگی را تضمین کرده‌اند و بدین سان راه را برای ورود عناصر، مفاهیم، اصطلاحات و نگرش‌ها و بالاخره فرم‌های موسیقایی بیگانه به حوزه موسیقی سنتی ایران بسته‌اند.

مردم هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگی که دارند و شیوه‌های اقتصادی که بر زندگی آنها حاکم است و همچنین اعتقادات، باورها و پندارهایشان آداب و رسوم خاصی را معتبر می‌دانند و در آنها شرکت می‌کنند. مراسم محرم و بویژه روز عاشورای حسینی یکی از

می‌شود بدون شک جوابگوی خواست‌های روانی مردم اصیل ماست. هنوز تعداد بسیاری از مردم در مقابل موسیقی ایرانی به شرط آنکه استادانه اجرا شود، نظر موافقی دارند. در این موسیقی «غمی» هست که چون «حقیقی» است، «زیبا» است.»

### ویژگیهای عاطفی موسیقی محرم

ریتم و ملودی از اجزاء مهم و ناگسستنی موسیقی می‌باشند که به نوبه خود تحت تاثیر شرایط هر جامعه شکل گرفته و تکامل پیدا می‌کند. ریتم به عبارتی ضربان و نظم و ملودی محتوای هر آهنگ است که از ترکیب اصوات شکل می‌گیرند. در صفحه ۲۴۸ کتاب «مقدمه‌ای بر موسیقی درمانی» نوشته علی‌زاده محمدی در این خصوص نوشته شده که: «هر ملودی بر حسب ترکیب اصوات و فواصل موجود در آن احساسات خاصی را به شنونده منتقل می‌سازد. بعضی از ملودیها غمگین و حزین، برخی ملایم و آرامش‌بخش، تعدادی هیجانی و بی‌قرار و بعضی شاد و فرخ‌بخش هستند که این احساسات بستگی به فواصل فیزیکی و ترکیب اصوات و عادات فرد دارد.

فواصل فیزیکی نقش عمده‌ای در تعیین نوع احساسات دارد. هر احساسی در مغز با فرکانس‌های خاصی تحریک می‌شود و ملودی در جهت تحریک این احساسات عمل می‌کند. به طور کلی اگر فواصلی که در

فراگیرترین و معتبرترین مراسم ملی و مذهبی ایرانیان از گذشته تا به حال بوده است که تقریباً اکثر اقشار، طبقات و گروه‌های اجتماعی و قومی به نحوی در آن شرکت و دخالت دارند. طبیعی است که موسیقی‌ای که بدین مراسم بزرگ و ریشه‌دار مربوط می‌شود نیز همانند کل خود سبب وحدت، همبستگی، وفاق اجتماعی و بالاخره همدلی مردم مسلمان خواهد شد و این امر یکی از ویژگیهای موسیقی مذهبی ایران است که آن را از دیگر انواع موسیقی ایران متمایز کرده است. موسیقی محرم شکوه، جلال، زیبایی، تنوع و جذابیت و نشاط دیگری دارد که هر شنونده‌ای را تحت تاثیر قرار می‌دهد. غم نهفته در آن نیز با شکوه و ملکوتی است. از ویژگیهای یافت هنر و موسیقی ایرانی بویژه موسیقی مذهبی سادگی و بی‌پیرایگی آن است. افرادی که از نقش و محتوای ایرانی اطلاع چندانی ندارند، غم نهفته در آن را مردود و ارتجایی دانسته و آن را با زندگی کنونی موافق و هماهنگ نمی‌دانند و به آن خرده می‌گیرند. استاد پرویز منصوری موسیقی‌دان ایرانی در صفحات ۷۱ و ۷۲ کتاب ارزشمند «کاوشی در قلمرو موسیقی ایرانی» در این خصوص می‌نویسد:

«موسیقی ما در عالی‌ترین شکل اجرایی خود همپای عالی‌ترین مظاهر کلیه هنرها در سراسر جهان، غم‌انگیز است و این کیفیت در اغلب موارد طبیعی، اصیل و مثبت است. موسیقی سنتی ایران و آنچه که با رعایت قواعد و اصول سنتی کم و بیش اعتلاء یافته اجرا



آهنگ بکار می‌رود «بزرگ» (ماژور) باشد و ترکیب اصوات با پرش توأم گردد انبساط و نشاط بیشتری را القاء می‌کند و اگر با فواصل بزرگ توأم با ریتم تند باشد، شدت نشاط بیشتر می‌شود به حدی که به سمت ناآرامی و بی‌تابی سوق می‌یابد. اگر فواصل آهنگ «کوچک» (مینور) و فشرده و ریتم کند باشد احساسات کند و گرفته‌تر خواهد بود و حزن و گرفتگی راحت‌تر منتقل می‌شود. این مسئله به طول موج اصوات و تاثیر آن بر واسطه‌های شیمیایی مغز ارتباط دارد.»

مطالب فوق گرچه به عنوان یک دست‌آورد علمی در تمام انواع موسیقی صدق می‌کند ولی از آنجا که موسیقی محرم انواع آدمها را خطاب قرار داده و در هر زمانی نوعی احساس و عاطفه را برمی‌انگیزد کاملاً تحقق می‌یابد و به آن مربوط می‌شود. نوحه خوانان، واعظان، خوانندگان اشعار مذهبی و مداحان و بالاخره بیشتر نوازندگان و خوانندگان قدیمی موسیقی محرم به این امور کاملاً وقوف داشته و در نتیجه حاصل کار آنها تاثیرات مطلوب مورد نظرشان را در شنونده داشت و پویایی و نشاط روحانی و همدلی را به سادگی امکانپذیر می‌کرد. نوع غمی که در شنونده ایجاد می‌شد کاملاً ملکوتی، روحانی و باشکوه بود و ضمن ایجاد وحدت، همبستگی و وفاق دلها را به یک مبدأ که همان امام حسین (ع) و شهادت او بود معطوف می‌کرد. احساس همدردی، غم خواری، عشق‌ورزی و حزن و اندوه و ایثار از طریق نغمات آوازی و سازی در قالب نوحه، مداحی، شبیه خوانی، مناجات، اذان، تلاوت قرآن، روضه خوانی و غیره به شنونده منتقل می‌شد و در نتیجه صفا و برادری، شیرینی و حلاوت جدیدی را در لحظاتی از زندگی مردم

ایجاد می‌کرد که در طی روزهای دیگر سال از آن بهره‌مند نبودند.

در صفحات ۲۲۷ و ۲۲۸ کتاب «مقدمه‌ای بر موسیقی درمانی» نوشته آقای علی‌زاده محمدی در ارتباط با ویژگیهای عاطفی موسیقی ایرانی آمده است: «موسیقی ایرانی برحسب ویژگیهای فیزیکی فواصل و گردش خاص خود در بیان بعضی از عواطف و احساسات موفق است و می‌تواند به خوبی آنها را در درجات متنوعی منعکس نماید. از جمله عواطف بارز موسیقی ایرانی احساس همدردی، غم‌خواری، عشق‌ورزی، همبستگی و وفاداری، صبوری، وجد، سرخوشی، حزن و اندوه در درجات و شدت متنوع است. موسیقی ایرانی استعداد پرخاشگری و خشونت ندارد. تا حدودی می‌تواند امواج پرخاشگری و عصبیت‌ها و ناکامی را تخلیه سازد. شنیدن و نواختن نغمه‌ها و مقامهای موسیقی ایرانی، ایام و اوقات مناسبی نیاز دارد. باید عوامل بیرونی و درونی هماهنگ باشند تا شنیدن و نواختن آنها دلپذیر گردد.»

ارتباط موسیقی با عواطف و احساسات آدمی از دیرباز مورد توجه و بحث پاره‌ای از دانشمندان و موسیقی دانان بوده است. خوانندگان و نوازندگانی که در این زمینه اطلاع و تخصص دارند و آنها را در ساختن آثار خود بکار می‌گیرند طبیعی است که در کار خود موفق‌تر خواهند بود. هر یک از عواطف و احساسات بشری با ریتم ویژه‌ای قابل بیان است. این گونه حساسیت‌ها و دقت‌ها در کار قدما بیشتر دیده می‌شد و عدم موفقیت مجریان موسیقی مذهبی ایران در سی سال گذشته در ارتباط‌گیری و تحت تاثیر قرار دادن

مردم ناشی از عدم توجه به همین اصل بوده است به طور مثال ریتم آرامش و اطمینان با ریتم شادی و غم و یا ریتم امید و اعتماد با بدبینی و یأس تفاوت دارد. موسیقی عاشورایی نباید با ریتمی بیان شود که به جای جلال و شکوه و ایثار و از خودگذشتگی که در ذات عاشورا و قیام حسینی نهفته است غم، یأس، سرگشتگی و بلا تکلیفی و شکست را تلقین کند. موسیقی ایرانی به سبب غناء فرهنگی، هنری و عاطفی خود اگر درست بکار گرفته شود همدلی و همسوئی و اتحاد را در بین شنوندگان خود به دنبال خواهد داشت. ریتم موسیقی اگر متعادل نباشد ثبات و توازن در احساسات را به دنبال نخواهد داشت و صرفاً در لحظاتی کوتاه تاثیرات نامتعادلی را از خود بجا خواهد گذاشت.

افلاطون در خصوص تاثیرات موسیقی بر عواطف بشر عقیده دارد که: «موسیقی برای ادامه حیات بشر ضروری است و قوه تدقیق، هوش، حس، مشاهده، استنباط و عواطف روحی بشر را برمی‌افزاید. شما ثقیل‌ترین روح را در اختیار من بگذارید. من قادرم به نیروی موسیقی ثقل و کدورت عارضی را از روان او زدوده، مردی هوشمند و سلحشور به شما تحویل دهم.» (نقل از کتاب شانزده مقاله موسیقی نوشته چنگیز مشیری).

موسیقی ایرانی نیز همانند موسیقی سایر ملل سرشار از همدلی و تقویت‌کننده احساسات مشترک ملی و مذهبی است و اگر درست بکار گرفته شود در ایجاد محیطی پاک و صمیمی می‌توان از آن بهره گرفت، دلها را به هم نزدیک کرد، آرامش روحی و حس نوع‌دوستی را برای مردم به ارمغان آورد. مراسم محرم به سبب ماهیت



و پیامی که دارد صرفاً با همدلی تمام شرکت‌کنندگان و با بیان و مجریان آن امکان برگزاری آن وجود دارد و موسیقی نیز که یکی از عناصر عمده و شاخص این مراسم به شمار می‌آید با این مجموعه هماهنگی و همدلی را دارد و اجزاء تشکیل دهنده آن اعم از سرعت، ریتم، ملودی، رنگامیزی، فرم، محتوی و غیره نیز با مضمون محرم متناسب است. شادروان حسن مشحون در کتاب «موسیقی مذهبی ایران» در این ارتباط می‌نویسد:

«مجالس روضه در عصر قاجاریه و دعوت کردن از روضه‌خوان‌های خوش صدا و وعاظ درجه اول باعث رونق مجالس و جمعیت فراوان بود و همین امر موجب تشویق کسانی شد که دارای صوت خوش بودند به ورود در طبقه روضه‌خوان و شبیه‌خوان و مداح و خوانندگان اشعار مذهبی و به همین مناسبت خوانندگان موسیقی‌دانهای خواننده درجه اول قاجاریه بویژه از عهد ناصری به بعد بیشتر از میان طبقه روضه‌خوانها و شبیه‌خوانها برخاسته‌اند.»

شادروان حسن مشحون در کتاب ارزشمند «موسیقی مذهبی ایران» در خصوص شبیه‌خوانها؛ روضه‌خوانها و منبری‌های بیشمار نام می‌برد که شاخص‌ترین آنها به ردیف موسیقی آوازی و سازی سنتی ایران وقوف کامل داشته‌اند. خوش‌قریحه‌ترین آنها عبارتند از: حاج تاج نیشابوری ملقب به «تاج الواعظین» که با آواز خوش و ملکوتی خود در مجالس عزاداری غوغا پیا می‌کرد. میرزا لطف‌الله اصفهانی که آوازی خوش داشت. شیخ کلباسی که انسانی با تقوی و خوش صدا بود، شیخ طاهر خراسانی ملقب به

«ضیاءالذکرین» که ضمن آوازی خوش به ردیف موسیقی سنتی آشنایی کامل داشت، حاج میرزا حبیب‌الله کاشانی ملقب به «شمس کاشانی»، حسین حاجی غفار، شیخ عبدالحسین سردادور، عبدالحسین صدر اصفهانی و دهها تن دیگر که از مفاخر موسیقی مذهبی ایران به شمار می‌آیند و در حفظ و اشاعه گوشه‌ها و نغمات موسیقی سنتی ایران به نسل‌های بعدی عمر گرانبهای خود را صرف کردند. چه کسی است که نپذیرد هیچ عاملی به اندازه صدای خوش آذان و تلاوت قرآن مجید، مناجات، مداحی، نوحه خوانی، روضه خوانی، شبیه‌خوانی، سینه زنی در ایجاد محیط صفا و اخوت، همدلی و همبستگی و وحدت بین مسلمین بتواند نقش ایفا کند. همه موارد فوق با کمک موسیقی می‌توانند موفقیت، محبوبیت و وجاهت خود را اخذ کنند. البته موسیقی سنتی و محلی ایران نیز بدون مفاهیم و مضامین و محتوی و اندیشه اسلامی توانایی حضور در مراسم و آئین‌های ملی و مذهبی را ندارد زیرا در طول حیات اسلامی خود همیشه از این آب‌شخور بهره‌مند بوده است.

در صفحه ۲۹۹ کتاب «تاملی در باب مداحی» نوشته رنجبر گل محمدی آمده است: «موسیقی اصیل و ملی مذهبی ما همان ترنمی است که از بالای منابر بر دل‌های مشتاقان نام حضرت ابا عبدالله علیه السلام جاری می‌شده و با ضرب آهنگ اسرارآمیز سینه زنی به هق هق، حق جویان ختم می‌گشته است. و ما نمی‌توانیم موسیقی ایرانی را به دو بخش مذهبی و غیر مذهبی تقسیم کنیم. وعاظ و خطبای قدیم علاوه بر داشتن علم، تقوا، ورع و زهد، از صدایی خوش برخوردار

بوده و بر دقایق ظریف موسیقی ایرانی آشنایی کامل داشتند و اگر صحبتی نکرده‌اند شاید مورد لزوم آن فراهم نشده است و گرنه کسی که روضه‌ها، زمینه‌ها و مصیبت‌ها را در دستگاه‌های مختلف و آن هم بی‌غلط می‌خواند با علم موسیقی غریبه نیست. ما اگر بتوانیم آیات قرآن کریم را به دقت و صحیح بخوانیم به معجزه موسیقایی و اثر آن پی خواهیم برد.»

در خاتمه لازم می‌دانم که از پژوهش‌های ارزنده موسیقی‌شناس و نوازنده صاحب سبک و نظر کشورمان آقای مجید کیانی نیز در ارتباط با ویژگی‌های عاطفی موسیقی عاشورایی یاد کنم. ایشان در پایان مقاله «نگرشی بر غم در موسیقی ایرانی» پس از تجزیه و تحلیل نمونه‌های قدیمی نوحه و اشعار سینه‌زنی در بیشتر نقاط ایران می‌نویسند:

«برخلاف آنچه گفته می‌شود که موسیقی مراسم عزاداری واقعه کربلا و موسیقی ردیف دستگاهی ایران غمگین و محزون است، این موسیقی نه تنها غمگین نیست بلکه بیشتر حالت و فضای عاشقانه و حماسی دارد، و از طرفی اگر جنبه‌های معنوی حماسه کربلا را در نظر آوریم، شهادت: گواهی دادن و شهید: حاضر و شاهد. مسلماً چنین حقیقت بزرگی، افسردگی و نیستی نیست بلکه نشاط و جاودانگی است. هدف موسیقی ایرانی هم نشانی جز از عالم غیبت نیست. سرود، نیایش و نشاط معنوی است، نه افسردگی، خمودگی و تخدیر. موسیقی ایرانی مدام در مبارزه و ستیز با غم منفی یا شادی کاذب است.»